

# جرجی زیدان

نقد و بررسی داستان‌های تاریخی-اسلامی

## رمان نویس معاصر عرب

زیباکبرزاده\*

ادبیات، ثبت میراث ملی برجای مانده از عصرها و نسل‌هاست و متون شناختی و علمی نظم و نثر کهن و نو را که به گونه‌ای زیبا، درخشان و مؤثر بیان شده‌اند، شامل می‌شود (الخیاط، ۱۳۸۵ ش: ۷). ادبیات در دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و زندگی مردمان نقشی اثرگذار و آشکار دارد. در جهان، خیزش‌های بسیاری علیه ستم و زیاده‌خواهی یا اثرپذیری از نوشته‌های بزرگ ادبی روی داده است و متون فراوانی مشعل مبارزه و خیزش در برابر بندگی و بردگی و استعمار را بر دوش گرفته و به چالش با زیاده‌خواهان و اشغالگران فراخوانده‌اند.

واژه ادب، به‌سان مجموعه‌ای است که در آن، انواع و اشکال گوناگون یافت می‌شود. این شکل‌ها و قالب‌ها در دو بخش عمده - شعر و نثر - جای می‌گیرند. نثر، خود اقسام مختلفی دارد که در میان آنها، «داستان» از اهمیتی ویژه برخوردار است و توانسته است به جایگاهی مهم دست یابد و از صورت تفنّن و سرگرمی، به شکل یک رشته هنری جدی و فنی تبدیل شود و آثار ماندگاری به جهان ادبیات تقدیم کند. داستان در ادبیات عرب، مانند بسیاری از کشورها، با اساطیر و خرافات شروع شد، آنگاه به واقعیت‌ها پرداخت و امروز از مرز واقعیت فراتر رفته و جنبه رمزی و نمادین به خود گرفته است. در قدیم، اعراب بدوی از آنجا که نوشتن نمی‌دانستند و وسیله دیگری برای ثبت اسطوره‌ها و داستان‌ها در اختیار نداشتند، آنها را

### چکیده

در دنیای امروز دانشمندان و صاحبان نظریه‌های گوناگون در پی آنند که به شیوه‌های متعدد، اندیشه‌های مورد نظر خویش را رواج دهند. یکی از این دانشمندان، که از پیشگامان نهضت فکری - ادبی معاصر جهان عرب در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود، جرجی زیدان، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته لبنانی مسیحی است. او در معرفی علم تاریخ و زبان‌شناسی به شیوه نوین و علمی، و آشنا ساختن توده‌های مردم با تاریخ اسلام و عرب نقشی مهم داشته است. رمان‌های او، که با هدف تعلیم تاریخ نوشته شده، بسیار مورد استقبال قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات داستانی، رمان تاریخی، جرجی زیدان.

شفاهاً سینه به سینه نقل می‌کردند و یا در قالب شعر بیان می‌نمودند تا راحت‌تر به خاطر سپرده شود. در این میان، داستان‌های عاشقانه از جایگاهی ویژه برخوردار بود که از آن جمله می‌توان به داستان عنتره، مشهورترین قهرمان افسانه‌ای عصر جاهلی عرب، اشاره کرد. در عصر اموی توجه مردم به قصه‌ها فزونی یافت. این در حالی بود که اعراب دارای دین و دولتی جامع بودند. در این عصر، زندگی مردم با لهو و لعب و نیز جنگ و نبرد همراه بود؛ همچنین ارتباط عرب‌ها با خارج از شبه‌جزیره عربستان گسترش یافت و آنها از بسیاری از قصه‌های ایرانیان، رومیان، هندیان و دیگر امت‌های قدیمی آگاهی یافتند و در نتیجه، دایره خیالشان گسترش یافت و استعدادشان در این زمینه رشد یافت (عبدالمنعم خفاجی، ۱۹۸۰م: ج ۴، ص ۱۳۹).

در عصر عباسی، قصه‌ها و حکایت‌ها از نظر کمیت در ادب عربی فراوان گشت؛ اما از نظر کیفیت، پیشرفتی در محتوا و اسلوب آنها حاصل نشد. برای نخستین بار در آغاز این عصر، قصه‌ها تدوین گشت. اولین فرد نیز عبدالله بن مقفع بود که کتاب کلیله و دمنه را از فارسی به عربی ترجمه کرد. کتاب‌های زیادی در این دوره تألیف شد که حاوی قصه‌ها و حکایت‌ها بودند و در این عصر، عرب در نتیجه امتزاج و ارتباط با دیگر ملل، بسیاری از علوم و فنون را از آنان اقتباس و در عصر نهضت ترجمه کرد و به زبان عربی برگرداند (البستانی، ۱۹۸۹م: ج ۲، ص ۴۰۴).

ادبیات عرب بیش از شش قرن در خواب قرون وسطایی فرو رفت و به دلیل جنگ‌ها، بیماری‌های مسری، حکومت‌های نالایق و بسیاری عوامل دیگر، رنگ و جلوه‌ای نداشت؛ اما هنوز قرن نوزدهم پایان نیافته بود که ورود ناپلئون در سال ۱۷۹۸ / ۱۲۱۲ به مصر، این سکوت ششصدساله را شکست. او که با یک ناوگان ۵۴ هزار نفری به سوی مصر آمده بود و کتابخانه‌ای شامل ۲۸۷ کتاب با ملزوماتی علمی و نظامی و چند دانشمند، اعم از فیزیک‌دان و زیست‌شناس، به همراه داشت، با پذیرفتن الله به عنوان خدای یگانه، اعتماد اعراب را به خود جلب کرد و از آنان خواست در سازندگی مصر به او کمک کنند (فرزاد: ۱۵۲).

فرانسوی‌ها در مصر، مدرسه و کتابخانه و روزنامه تأسیس کردند و دانشمندان آنان به باستان‌شناسی پرداختند و دانش مصرشناسی (Egyptology) را پایه‌گذاری کردند. محمد علی (ف. ۱۸۴۹م/ ۱۲۱۵ق) نایب‌السلطنه مصر، اداره‌ای را برای ترجمه آثار تخصصی غرب و مخصوصاً برای علوم نظامی و طبی برپا کرد؛ ولی در این میان، گروهی که بیشتر تحت تأثیر انتقال عقاید جدید قرار گرفته

بودند، محققان لبنانی بودند که با هیئت‌های تربیتی و فرهنگی غرب در بیروت تماس مستقیم داشتند. این اشخاص خالقان مطبوعات دوره‌ای و روزنامه‌نگاری جدید نیز بودند. اینان که پیوندهایی با مصر داشتند، در ابتدا به شدت تحت تأثیر تمایلات لبنانی بودند؛ ولی به‌زودی آثار ادبی ملی مصری را با نیروی هرچه تمام‌تر دنبال کردند و ثابت نمودند که مصر، بستر گرم واقعی ادبیات جدید عرب است. علاوه بر روزنامه‌نگاری و نویسندگی به مفهوم اصلی، ترجمه آثار ادبی غربی نقشی اساسی و زنده در توسعه و گسترش ادبیات جدید ایفا نمود و از مترجمان مشهور داستان در این دوره، نجیب حداد، طانیوس عبده و فرح انطون بودند (ترجانی‌زاده، ۱۳۴۸ش: ۲۹۷).

از طرف دیگر، در نوشتن رمان نیز پیشرفت‌هایی، به‌ویژه در رمان تاریخی، حاصل شد. ظهور رمان تاریخی ریشه در ابعاد مختلف مکتب ادبی رمانتیسیم داشت. گذشته‌گرایی، گرایش به خیال‌پردازی و علاقه به ملی‌گرایی و حال و هوای بومی، از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب رمانتیسیم بود که زمینه‌ساز شکل‌گیری رمان تاریخی شد (غلام، ۱۳۸۱ش: ۴۶). رمان تاریخی در لبنان ظهور کرد. سلیم البستانی نخستین نویسنده لبنانی است که به نوشتن این نوع داستانی روی آورد و به ترتیب رمان‌های تاریخی *زنوبیا* (۱۸۷۱)، *بدور* (۱۸۷۳) و *الهپام فی فتوح الشام* (۱۸۷۴) را نوشت (الدیب، ۱۹۹۸م: ۴۵).

عصر طلایی رمان تاریخی در مصر بود؛ زیرا جو نامساعد حاکم بر لبنان تعدادی از ادبا را مجبور کرد که به مصر مهاجرت کنند. جرجی زیدان که در زمره مهاجران بود، توانست با بنیان نهادن اصول رمان تاریخی، لقب «بنیان‌گذار رمان تاریخی» را در ادبیات عرب احراز نماید و به عنوان نخستین نویسنده عرب، توانست مقاطع مختلفی از تاریخ اسلام و عرب را در قالب سلسله داستان تاریخی عرضه نماید و نخستین مجموعه از این نوع را در ادبیات معاصر عربی به وجود آورد (محفوظ، ۱۹۹۸م: ۸۵).

جرجی زیدان، فرزند حبیب زیدان، در ۱۴ دسامبر ۱۸۶۱م در بیروت و در خانواده‌ای تنگدست دیده به جهان گشود. پدرش غذاخوری کوچکی دایر کرده بود و بسیاری از دانشجویان و فضایی دانشگاه آمریکایی بیروت به آنجا رفت و آمد داشتند. جرجی زیدان زودتر از سن مقرر و در پنج‌سالگی روانه مدرسه شد تا با آموختن سواد و حساب، در کار حساب و کتاب غذاخوری به پدرش کمک کند. حدود ۱۱ سال داشت که به دلیل تنگدستی پدرش مجبور به ترک مدرسه شد. پدرش که توان مالی استخدام کارگر را نداشت، از او خواست که به مدت چند هفته کمک کار او باشد؛ ولی این چند هفته تا ۸ سال طول کشید. با وجود این، کار و کمک به خانواده



# برای دانشپژوهان حوادث تاریخی می‌گذرد تقریباً یکسان دو جوان که هر دو یک طینت و پاک‌نهادند دل می‌بارند؛ ولی

**طرحی که جرجی زیدان برای داستان‌های خود انتخاب می‌کند، تقریباً یکسان است؛ دو جوان که هر دو پاک‌طینت و پاک‌نهادند، به هم دل می‌بازند؛ ولی موانع متعددی بر سر راهشان قرار می‌گیرد و گره داستان پدید می‌آید. حوادث تاریخی، یک رقیب، مخالفت خانواده و... باعث می‌شود که دو دل‌داده از هم جدا شوند و ماجراهای متعددی را پشت سر بگذارند**

بود(همان: ۷۸). با اینکه جرجی زیدان برای ادامه تحصیل به مصر رفته بود، ولی به دلایلی، از جمله مشکلات مالی، از ادامه تحصیل منصرف شد و به دنبال منبع درآمد گشت و توانست در روزنامه *الزمان*، که در آن هنگام تنها روزنامه مصر بود، مشغول به کار شود. در سال ۱۸۸۴ م، همراه با نیروهای مصری به سودان عزیمت کرد و مدت ده ماه به عنوان مترجم در خدمت نیروهای مصری بود. سپس به مصر بازگشت و به خاطر حسن انجام وظیفه، چند نشان افتخار مصری و انگلیسی دریافت نمود (همان: ۷۷).

در سال ۱۸۸۵ م به بیروت بازگشت و به یادگیری زبان‌های عبری و سریانی پرداخت و حاصل آندوخته خود را در کتابی با عنوان *الألفاظ العربیة و الفلسفة اللغویة* به رشته تحریر درآورد و با ارسال یک نسخه از این کتاب به مجمع علمی و شرق‌شناسی اروپا، بنیاد علوم شرقی در آسیا او را به عضویت پذیرفت (همان: ۷۸).

در سال ۱۸۸۶ م اداره *مجلة المقتطف* را بر عهده گرفت و پس از حدود دو سال از آنجا استعفا داد تا به تألیف بپردازد و در همان سال کتاب *تاریخ مصر الحدیث* را تألیف کرد.

در اواخر همان سال، مدرسه العبدیة الکبری از او دعوت کرد که در آن مدرسه به تدریس زبان و ادبیات عرب بپردازد. او نیز پذیرفت و دو سال در آنجا تدریس کرد. در خلال همین مدت بود که نخستین رمان تاریخی خود را با عنوان *المملوک الشارد* نوشت که چندین بار تجدید چاپ شد.

زیدان در سال ۱۸۹۱ م با مشارکت نجیب متری، مؤسس انتشارات دارالمعارف، چاپخانه‌ای به نام التالیف تأسیس کرد؛ اما پس از یک سال، شراکتشان به هم خورد و جرجی زیدان آن را مستقلاً اداره کرد و نام آن را به «الهلال» تغییر داد. در عرض کمتر از پنج سال، *مجلة الهلال* نه تنها در جهان عرب، بلکه در میان عرب‌زبانان تمام کشورهای غربی جای خود را باز کرد و به منزله پلی میان جرجی زیدان و مخاطبانش شد. زیدان بیشتر تألیفات و داستان‌هایش را پیش از آنکه به صورت کتاب‌های مستقلی درآورد، نخست در مجله و به صورت مسلسل به چاپ می‌رساند. *مجلة الهلال* در زندگی علمی و فکری او و به شهرت رسیدنش نقشی بسزا داشت (عصام، ۱۹۸۸ م: ۱۴۲).

در تابستان ۱۹۱۲ م برای دومین بار سفری به اروپا کرد و این بار به کشورهای مختلف، از جمله فرانسه و انگلستان و سوییس رفت. خاطرات او از این سفر، در *مجلة الهلال* طی چند فصل به چاپ رسید و چند سال پس از درگذشتش، در سال ۱۹۲۳ م، در قالب یک کتابی با نام *رحلة جرجی زیدان إلی اروپا سنة ۱۹۱۲* منتشر شد (الدیب، ۱۹۹۸ م: ۷۸).

روز سه‌شنبه، ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۱۴ م، جرجی زیدان مثل هر روز به سر کار رفت و در حین کار، همان گونه که خود آرزو داشت، درگذشت (همان: ۷۹).

جرجی زیدان در طول عمر نسبتاً کوتاه خود آثار و تألیفات متعددی پدید آورد که بیشتر درباره تاریخ و تمدن عربی و اسلامی است و از آن جمله است: *تاریخ آداب اللغة العربیة*، در چهار جلد،

او را از مطالعه و علم‌اندوزی منصرف نکرد. او که دریافته بود به خاطر وضعیت مالی خانواده نمی‌تواند به مدرسه برود، تصمیم گرفت معلم خودش باشد و از هر فرصتی برای مطالعه استفاده کند. او زبان انگلیسی را در مدرسه شبانه تعلیم دید و سپس به عضویت انجمن «شمس البر» درآمد. عضویت در این انجمن و آشنایی‌اش با فضایی مانند دکتر یعقوب صروف، فارس نمر و بطرس بستانی و پسرش، سلیم، در آینده فکری و علمی جرجی زیدان تأثیری بسزا داشت (الدیب، ۱۹۹۸ م: ۷۶).

زیدان تصمیم گرفت وارد دانشگاه بیروت شود و در رشته پزشکی تحصیل کند. او شبانه‌روز به مطالعه دروس مقدماتی پرداخت و توانست در سال ۱۸۸۱ م در زمره نفرات برتر وارد رشته پزشکی شود. سال اول را، علی‌رغم مشکلات مالی و کمک به پدر، با رتبه ممتاز به پایان رسانید؛ ولی در سال دوم اتفاقی در دانشگاه رخ داد که بسیاری از دانشجویان مجبور به انصراف از دانشگاه شدند (محفوظ، ۱۹۹۸ م: ۸۵).

یکی از استادان به نام دکتر لوئیس، نظریه تکامل داروین را در کلاس درس مطرح کرد و با اینکه معترض باورهای دینی نشد، اما از آنجا که این نظریه در آن زمان تازگی داشت و بسیاری از گروه‌های مذهبی آن را مخالف شرع می‌دانستند، نسبت به این اقدام اعتراض کردند و خواستار استعفا او شدند. دانشجویان که برکنار شدن استاد را خلاف آزادی اندیشه می‌دانستند، نسبت به این امر دست به اعتراض زدند و در نتیجه، دانشجویان رشته پزشکی از دانشگاه انصراف دادند. با وجود این، جرجی زیدان ناامید نشد و در رشته دارویی امتحان داد و توانست در زبان لاتین و علوم طبیعی و گیاه‌شناسی و شیمی مدرک دانشگاهی دریافت کند (الدیب، ۱۹۹۸ م: ۷۶).

زیدان پس از اخراج از دانشگاه آمریکایی بیروت، برای تحصیل در دانشگاه القصر العینی در سال ۱۸۸۳ م روانه مصر شد. البته وضعیت شهر در آن زمان به دلیل قیام احمد اعرابی تأسف‌بار



تاریخ تمدن اسلامی، در پنج جلد، علم الفراسه الجدید، الإسلام، تاریخ مصر الحدیث، تاریخ العرب قبل الإسلام، تاریخ انگلتره، التاریخ العام، التاریخ اليونان و الرومان، طبقات الأمم و السلاسل البشريه. همچنین به سبک نو، ۲۱ رمان تاریخی را با موضوعات تاریخی و اسلامی به رشته تحریر درآورد که این رمان‌ها به ترتیب زمان تألیف عبارتند از: المملوک الشارد (۱۸۹۱)، أسیر المتمدی (۱۸۹۲)، إستبداد الممالیک (۱۸۹۲-۱۸۹۳)، ارمانوسه المصریه (۱۸۹۵-۱۸۹۶)، فتاة غسان (۱۸۹۶-۱۸۹۸)، عذراء قریش (۱۸۹۸-۱۸۹۹)، ۱۷ رمضان (۱۸۹۹-۱۹۰۰)، غادة كربلاء (۱۹۰۰-۱۹۰۱)، الحجاج بن يوسف (۱۹۰۱-۱۹۰۲)، فتح الأندلس (۱۹۰۲-۱۹۰۳)، شارل و عبدالرحمن (۱۹۰۳-۱۹۰۴)، أبو مسلم الخراسانی (۱۹۰۴-۱۹۰۵)، العباسه أخت الرشید (۱۹۰۵-۱۹۰۶)، الأمین و المأمون (۱۹۰۶-۱۹۰۷)، عروس فرغانه (۱۹۰۷-۱۹۰۸)، أحمد بن طولون (۱۹۰۸-۱۹۰۹)، عبدالرحمن الناصر (۱۹۰۹-۱۹۱۰)، الإنقلاب العثماني (۱۹۱۰-۱۹۱۱)، فتاة القيروان (۱۹۱۱-۱۹۱۲)، صلاح‌الدین و مکائد الحشاشین (۱۹۱۲-۱۹۱۳) شجرة الدر (۱۹۱۳-۱۹۱۴) (عبدالغنی حسن، ۱۹۷۰: ۱۳۲-۱۳۳).

و اینک به اجمال به نقد و بررسی کلی رمان‌های جرجی زیدان می‌پردازیم.

**خصوصیات ظاهری:** معمولاً نویسنده در آغاز داستان‌هایش یک یا دو صفحه را تحت عنوان «فذلکة تاریخیة» به بیان مقدمه‌ای تاریخی درباره داستانی که قصد روایت آن را دارد، اختصاص می‌دهد و در خلال این مقدمه، به اطلاعات تاریخی و جغرافیایی درباره آن دوران می‌پردازد. در آغاز هر داستان، طی چند جمله، موضوع داستان را برای خواننده معرفی می‌کند و به او اطلاع می‌دهد که می‌خواهد از چه موضوعاتی در این داستان سخن بگوید. دیگر خصوصیت ظاهری داستان‌های زیدان این است که نویسنده در آغاز داستان‌هایش قهرمانان و شخصیت‌های اصلی داستان را برای خواننده مطرح می‌کند. همچنین در تمام رمان‌های مربوط به صدر

اسلام، تا رمان شجرة الدر، منابع تاریخی را که استفاده کرده، ذکر کرده است و این خود نشانه‌ای اهتمام مؤلف به تاریخ و وفاداری‌اش به حقایق تاریخی است. تنها درباره داستان‌هایی که به دوران معاصر نزدیک به معاصر بودند، مؤلف منابع را ذکر نکرده است.

آنچه از این چهار ویژگی مذکور استنباط می‌شود، این است که چنین تألیفاتی با چنین روش شروع داستان و این مقدمه‌چینی‌ها و این معرفی‌ها، به قصد ارتقای سطح دانش و آگاهی مردم است و روح تعلیم و گرایش به یاد دادن در داستان‌ها به خوبی مشهود است. **موضوع و زمان:** جرجی زیدان موضوعات داستان‌هایش را از دوره‌های آرام و بی‌دغدغه تاریخ عرب انتخاب نکرده؛ بلکه سعی کرده است به سراغ مقاطعی از تاریخ برود که دو عنصر یا دو فرهنگ و یا دو نیرو و قدرت با هم در جنگ و ستیزند و البته رمان تاریخی نیز این گونه تعریف می‌شود.

**طرح آثار:** طرحی که جرجی زیدان برای داستان‌های خود انتخاب می‌کند، تقریباً یکسان است؛ دو جوان که هر دو پاک‌طینت و پاک‌نهادند، به هم دل می‌بازند؛ ولی موانع متعددی بر سر راهشان قرار می‌گیرد و گره داستان پدید می‌آید. حوادث تاریخی، یک رقیب، مخالفت خانواده و... باعث می‌شود که دو دلداره از هم جدا شوند و ماجراهای متعددی را پشت سر بگذارند؛ ماجراهایی پر از دلهره و اضطراب و در بسیاری از موارد، همراه با توطئه. شایان ذکر است که گاهی این دو دلداره، هر دو شخصیتی تخیلی و غیر واقعی هستند؛ مثلاً در رمان غادة كربلاء، سلمی، دختر حجر بن عدی، و عبدالرحمان، پسرعمویش، واقعیتی تاریخی ندارند؛ و یا گاهی یک شخصیت خیالی و یک شخصیت واقعی است؛ مانند اسماء، دختر مریم و محمد ابن ابی‌بکر، در رمان عذراء قریش؛ و گاهی هر دو شخصیت واقعی هستند؛ مثلاً در رمان العباسه أخت الرشید، عباسه و جعفر برمکی. در بیشتر موارد، داستان پایان خوشی دارد و دو دلداره پس از پشت سر گذاشتن سختی‌ها و حوادث بسیار، به هم می‌رسند، مگر اینکه واقعیات تاریخی مانع از این امر شوند.

زیدان در مواردی، برای تشویق خواننده، یک یا گاهی چند راز را در خلال داستان می‌گنجاند تا خواننده برای فهم حقیقت و کشف این راز، به ادامه مطالعه مشتاق شود. بهره‌گیری از عامل تصادف و اتفاق برای به هم پیوستن حوادث و وقایع نیز از جمله ابزارهایی است که نویسنده از آنها بهره گرفته است.

عمده نقصی که در طرح داستان‌ها وجود دارد و تا حدی از ترکیب آن کاسته است و از طرفی دیگر باعث کندي روند داستان و ایجاد بی‌میلی به مطالعه در خواننده شده است، حضور و دخالت نویسنده در روایت آثار است که گاهی مطالبی را خارج از بافت داستان ارائه می‌دهد و ارزش آن را تا سطح نوشته‌ای گزارشی-آموزشی تنزل می‌دهد.

**شخصیت و شخصیت‌پردازی:** جرجی زیدان توجهی به شخصیت‌پردازی ندارد. او از تحلیل ذهنیات شخصیت‌ها عاجز است و تنها به وصف ویژگی‌های ظاهری و نقل اعمال و گفتارشان می‌پردازد. او شخصیت‌هایش را به صورت ناتمام و هنگام

**عمده نقصی که در طرح داستان‌ها وجود دارد و تا حدی از ترکیب آن کاسته است و از طرفی دیگر باعث کندي روند داستان و ایجاد بی‌میلی به مطالعه در خواننده شده است، حضور و دخالت نویسنده در روایت آثار است که گاهی مطالبی را خارج از بافت داستان ارائه می‌دهد و ارزش آن را تا سطح نوشته‌ای گزارشی-آموزشی تنزل می‌دهد**

عمده نقصی که در طرح داستان‌ها وجود دارد و تا حدی از ترکیب آن کاسته است و از طرفی دیگر باعث کندي روند داستان و ایجاد بی‌میلی به مطالعه در خواننده شده است، حضور و دخالت نویسنده در روایت آثار است که گاهی مطالبی را خارج از بافت داستان ارائه می‌دهد و ارزش آن را تا سطح نوشته‌ای گزارشی-آموزشی تنزل می‌دهد

ظاهرشدنشان در داستان به خواننده معرفی می‌کند. شخصیت‌های او ایستا و بی‌تحوّلند؛ آنها نمونه‌های کلی خیر و شرّند و در واقع نوعی «تیپ» هستند تا شخصیت، با ویژگی‌هایی ثابت که خیلی زود خواننده آنها را می‌شناسد. خواننده وقتی با مطالعه یک داستان با این نوع تیپ‌ها آشنا می‌شود، هنگام مطالعه داستان‌های بعدی، به سرعت می‌تواند آن شخصیت‌های تیپیک را بازشناسد. نویسنده، شخصیت‌های تاریخی را کامل، دقیق و عمیق معرفی نمی‌کند و خواننده نمی‌تواند علل و انگیزه اعمال و رفتار آن شخصیت‌ها را دقیقاً بفهمد. او صرفاً به بیان حوادث تاریخی از طریق اعمال و رفتار شخصیت‌ها اکتفا می‌کند؛ اما ریشه‌ها و علل این وقایع را برای خواننده روشن نمی‌کند و بدین ترتیب، خواننده عامی که مطالعات تاریخی ندارد، نمی‌تواند علت وقوع خیلی از وقایع و حوادث را درک کند. یکی دیگر از ویژگی‌های داستان‌های زیدان در این زمینه، حضور مثبت و مؤثر راهبان و جایگاه حساس «دیر» در کمک و پناه دادن به شخصیت‌های مثبت داستان است و این مسئله را می‌شود این گونه توجیه کرد که ممکن است این راهبان مسیحی در داستان‌های او نمادی از خود نویسنده و حضور او در یک کشور اسلامی، مانند مصر باشد که به نقش مثبت خود در کمک به فرهنگ و تمدن مصریان مسلمان تأکید می‌کند.

**زاویه دید و گفت‌وگو:** جرجی زیدان تمام داستان‌های خود را از زاویه دید سوم شخص روایت می‌کند. گاهی نیز شخصیت‌های داستان روایت آن را به عهده می‌گیرند؛ ولی در این صورت، افکار و احساسات و دنیای آنها برای خواننده معلوم نمی‌شود. اغلب تحلیل‌های سیاسی و تاریخی و اجتماعی و... زیدان، در لایه‌لای محاورات داستان‌هایش ارائه می‌شود. در واقع، او از طریق شخصیت‌های داستانی خود به بیان افکار و اندیشه‌هایش می‌پردازد. داستان‌های زیدان عموماً از جهت لحن، یکدست و به لحاظ مایه عاطفی، خشکند و نویسنده هیچ تلاشی برای ایجاد تناسب لحن گفت‌وگوها با میزان درک و فهم و طبقه اجتماعی اشخاص صورت نداده است.

**توصیف:** در رمان‌های جرجی زیدان شمار توصیفات مکان‌ها بسیار زیاد است. ویژگی عمده این توصیفات، این است که اغلب خارج از بافت داستانی اثر ارائه می‌شوند؛ یعنی نویسنده به هر بهانه ممکن، خواننده را به مکانی می‌کشاند و آنگاه اطلاعات خود درباره آن مکان را به او عرضه می‌کند؛ از این رو، حذف این توصیفات لطمه‌ای به بافت داستان‌ها وارد نمی‌آورد. به علاوه، جرجی زیدان از این توصیفات برای تقویت ابعاد آموزشی خود بهره می‌گیرد. او هیچ اهمیتی به توصیف زمان و صحنه و مناظر طبیعت نداده و این یک عیب فنی بزرگ است؛ چرا که توصیف محیط خارجی و مناظر طبیعت، حوادث و شخصیت‌ها را زنده‌تر جلوه می‌دهد.

**سبک نگارشی آثار:** زبان و سبک نگارش جرجی زیدان، خالی از هر نوع صنایع ادبی و لفظی است. از آنجا که هدف او این بود که مطالب و معلومات مورد نظر خود را به خواننده منتقل کند، از زبانی ساده و بی‌آلایش، که برای همه قابل فهم باشد، استفاده کرده

است. با توجه به طرز فکر و هدف او، بهره‌گیری از این نوع سبک نگارش، طبیعی است؛ زیرا به عقیده او، نثر، ابزار عقل است و قلم در این میان وظیفه انتقال اندیشه به مخاطب را دارد و این انتقال باید واقعی و دور از تزئینات لفظی و آرایه‌های ادبی باشد (نجم، ۱۹۱۴: ۱۸۸). از سوی دیگر، ریشه این نوع سبک را می‌توان در دو عامل جست‌وجو کرد: یکی اینکه او با هدف تعلیم و نه لفاظی داستان می‌نوشت و در این حالت، آنچه برای نویسنده در درجه اول اهمیت قرار دارد، سهولت و سادگی دریافت مطالب توسط خواننده است و این امر بستگی به سادگی و روانی کلام نویسنده دارد؛ از طرف دیگر، زیدان یک ادیب به معنای واقعی نبود؛ او بیشتر روزنامه‌نگار و مورخ بود تا ادیب؛ به همین دلیل سبک نویسندگی او مانند یک مورخ و روزنامه‌نگار، کاملاً ساده و بی‌آلایش است.

**درونی‌مایه آثار:** منتقدان زیادی به نقد ساختار رمان‌های جرجی زیدان پرداخته‌اند؛ ولی کمتر کسی پیدا می‌شود که به مضامین آنها توجه کرده باشد. علت این امر را شاید بتوان در طرز نگرش نویسنده به تاریخ اسلام و عرب جست‌وجو کرد. زیدان با وجود اینکه اسم سلسله رمان‌هایش را رمان‌های تاریخ اسلام گذاشته، ولی دید او نسبت به عناصر عربی و اسلامی، حاکی از غرض‌ورزی است. او در موارد زیادی به طرفداری و تمجید عناصر مسیحی پرداخته است. اختصاص فضا برای توصیف شعائر دین مسیحیت، ارائه تصاویری درخشان از راهبان، کلیساها، دیرها و استفاده از واژگانی چون موبد و انجیل و ... خود دلایلی بر اثبات این ادعاست.

روی هم رفته، می‌توان گفت که از آنجایی که جرجی زیدان بیش از آنکه ادیب و داستان‌نویس باشد، مورخ و روزنامه‌نگار بود و هدفش از داستان‌نویسی، تعلیم تاریخ، همین امر جنبه هنری و فنی داستان‌های او را تحت تأثیر قرار داد و سبب شد که عناصر فنی داستان در آثار او ضعیف گردد. از طرف دیگر، او می‌خواست تاریخ را به گونه‌ای عرضه کند که مخاطبان عادی و عامی به مطالعه آن مشتاق شوند و با کنجکاوی آن را دنبال کنند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا داستان‌های زیدان توانست تأثیری در داستان‌نویسی واقع‌گرایانه ادبیات عرب بگذارد و این تأثیر از چه جنبه‌ای است؟ برای جواب دادن به این سؤال، باید ابتدا علت توجه جرجی زیدان به تاریخ و گرایش او به تعلیم تاریخ را بررسی کنیم. نخست اینکه جرجی زیدان علاقه‌ای خاص به تاریخ داشت. اگر به عناوین کتاب‌های او توجه کنیم، می‌بینیم که اغلب آنها به تاریخ مربوطند از طرف دیگر، شرایط فکری و فرهنگی روزگار او را باید در تشدید این گرایش و علاقه او مؤثر دانست. از دوران حکومت خدیو اسماعیل، حاکم مصر، از سال ۱۸۶۳-۱۸۸۲، روشنفکران و فرهیختگان مصری توجهی خاص به تاریخ و گذشته ملل عرب و تاریخ غرب نشان دادند. آنها از یک سو کوشیدند تاریخ ملل عرب را بشناسند و آن را در قالب آثار متعددی به جامعه معرفی کنند و از سوی دیگر، به مطالعه سرگذشت ملل پیشرفته اروپا و شناخت رمز موفقیت و ترقی آنها پرداختند (طه بدر، ۱۹۶۳: ۹۱-۹۲). این شرایط فکری و فرهنگی، که توجه به تاریخ

از مشخصه‌های قابل توجه آن به شمار می‌رفت، زیدان را بر آن داشت تا به تألیف آثار متعددی در زمینه تاریخ بپردازد.

عامل دیگری که در گرایش جرجی زیدان به داستان‌نویسی تاریخی مؤثر بود، آشنایی او با ادبیات غرب است (غلام، ۱۳۸۱: ۸۱). او در نوشتن تاریخ در قالب داستان برای مخاطبان عادی و عامی، آن هم به صورت یک مجموعه، تحت تأثیر الکساندر دوما قرار گرفته است و بدین ترتیب، آشنایی او با ادبیات غرب، او را به این فکر انداخت تا تاریخ عرب و اسلام را در قالب داستان برای توده‌های مردم بازگو کند و آنها را به مطالعه تاریخ تشویق کند (الدیب، ۱۹۹۸م: ۸۲). شایان ذکر است که رویکرد جرجی زیدان به تاریخ، بر خلاف ادبای غربی، مانند والتر اسکات، ریشه ملل‌گرایانه نداشت؛ زیرا در آن دوران هنوز اندیشه‌های ملی‌گرایانه و قوم‌گرایی در میان مردم عرب‌زبان به وجود نیامده بود. به همین دلیل، زیدان در صدد احیای گذشته و ستایش آن نبود؛ بلکه به دنبال تعلیم تاریخ بود. گرایش به ملیت و احیای گذشته، پس از جنگ جهانی دوم در میان ملل عرب‌زبان شکل گرفت و نویسندگان و ادبایی مانند نجیب محفوظ، عادل کامل، فرید ابوحید، علی احمد باکتیر، در داستان‌های تاریخی خود به این موضوع پرداختند (طله بدر، ۱۹۶۳: ۹۰-۹۱).

با نگاه به ادبیات داستانی عرب می‌توان نقش جرجی زیدان در شکوفایی آن را به وضوح مشاهده کرد. بزرگ‌ترین خدمتی که زیدان به جامعه ادبی عرب کرد، این است که او علاوه بر فتح باب تألیف تاریخ ادبیات عربی، نگارش تاریخ به شیوه جدید علمی را معمول کرد. وی داستان را در خدمت تاریخ قرار داد و از طریق آن، تاریخ را به مردم تعلیم داد.

اما نگارش این نوع رمان‌ها بعد از زیدان به محقق فراموشی افتاد و جز تعدادی معدود، مانند ابوالحمید، با رمان *ابنة المملوک* (۱۹۲۶)، معروف الأرتاؤوط، با رمان‌های سید قریش (۱۹۳۱) و عمر بن الخطاب (۱۹۳۲) و محمد حسین هیکل، کسی به تألیف رمان تاریخی کمر همت نبست (عبدالجلیل، ۱۳۸۱: ۲۹). هرچند نگارش رمان تاریخی بعد از جرجی زیدان کم‌رونق شد، ولی با مطالعه داستان‌های او و تأمل در نثر داستان‌های نویسندگان قبل و بعد از او، به صراحت می‌توان ادعا کرد که جرجی زیدان با داستان‌هایش تأثیری چشمگیر در عرصه ادبیات داستانی عربی گذاشت و آن، خلق سبک ساده داستان‌نویسی در ادبیات معاصر است. در حقیقت، داستان‌های زیدان نمونه‌ای از نثرهای روزنامه‌ای عصر اوست که از سادگی و روایی خاصی برخوردار است.

تمام نویسندگان قبل از زیدان در آثارشان پیرو سبک کلاسیک بودند. آنها از زبانی سخت و دشوارتر و همچنین جملاتی پیچیده و سرشار از صنایع ادبی استفاده می‌کردند و گاهی هم در این امور مبالغه می‌کردند و این امر امتیاز مطالعه این آثار توسط خوانندگان غیر ادیب را سلب می‌کرد. اما جرجی زیدان با مشاهده شرایط فکری و فرهنگی عصر خویش و علاقه مردمانش به مطالعه، به نگارش داستان‌های تاریخی پرداخت و از آنجا که عمده هدفش

تعلیم تاریخ به تمام مردم بود، در آثار جاودانه خود از زبانی ساده و بی‌آلایش استفاده کرد که این امر به نوبه خود باعث استقبال روزافزون مردم از داستان‌ها شد و نویسندگانی هم که بعد از او پا به عرصه ادبیات داستانی گذاشتند، از سبک ساده او در آثارشان الهام گرفتند و داستان‌های اجتماعی، تاریخی و عاشقانه و دینی و ... را با زبانی ساده به مردم عرضه کردند. به همین خاطر است که عبدالمحسن طه بدر درباره تأثیر داستان‌های جرجی زیدان در جهت‌گیری داستان‌نویسی عربی می‌گوید که جرجی زیدان توانست رویکردی را به وجود آورد که نه صرفاً تعلیمی بود و نه صرفاً به دنبال تفریح و سرگرمی؛ بلکه متضمن هر دو عامل بود؛ یعنی در عین حال که هدف تعلیم را دنبال می‌کرد، این تعلیم را در قالبی جذاب و دلنشین که بتواند مخاطب عادی را به خود جلب کند، عرضه نمود (عبدالمحسن طه بدر، ۱۹۶۳م: ۹۱).

### پی‌نوشت

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی.

### کتابنامه

- البستانی، بطرس، ۱۹۸۹م، *ادباء العرب فی العصر العباسیة*. بیروت: دار نظیر عبود. ج ۲.
- ترحانی‌زاده، احمد، ۱۳۴۸ش، *تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر*. چاپ اول، تبریز: بی‌جا.
- الخياط، جلال، ۱۳۸۵ش، *تاریخ ادبیات معاصر عرب*. ترجمه محمود فضیلت. چاپ اول، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- الدیب، مسعد محمد، ۱۹۹۸م، *القصة التاريخية الإسلامية فی مصر*. چاپ اول، قاهره: دارالأمین.
- طه بدر، عبدالمحسن، ۱۹۶۳م، *تطور الرواية العربية الحديثة فی مصر*. قاهره: دارالمعارف.
- عبدالجلیل، ج. م، ۱۳۸۱ش، *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه آ. آذرنوش. چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- عبدالغنی حسن، محمد، ۱۹۷۰م، *سلسلة الأعلام العرب؛ جرجی زیدان*. لبنان: الهيئة المصرية العامة للتألیف و نشر.
- عبدالمعتمد خفاجی، محمد، ۱۹۸۰م، *الأدب العربی الحديث*. الطبعة الاولى. بیروت: مكتبة الکلیات الأزهریة. ج ۴.
- غلام، محمد، ۱۳۸۱م، *رمان تاریخی*. چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
- فرزاد، عبدالحسین. «میانبری به ادبیات داستانی عرب». *فصلنامه ادبیات داستانی*، شماره ۴۷، سال ششم، ص: ۱۵۲.
- محفوظ، عصام، ۱۹۸۸م، *الحوار مع رواد النهضة العربية*. لبنان: ریاض الریس للتألیف و النشر.
- نجم، محمد یوسف، ۱۹۱۴م، *القصة فی الأدب العربی الحديث*. بیروت: دار الثقافة.